



شری نجفی

مدیرعامل انجمن باری کودکان در معرض خطر

خبر مافیای گدایان تهران و توابع که با مخفف «گ.ت.ت.» به‌تازگی باز هم در فضای مجازی دست به دست می‌شود، جز برای رد کم‌کردن و به‌حاشیه‌بردن مطالبات واقعی نیست و این بازی آخر سال کاسبکاران اجتماعی در جاهایی هست که هر سال تکرار می‌شود. با یک تیر چند نشان می‌زنند و با الفاظ و عبارات کلیدی ساماندهی و مافیا و «گ.ت.ت.» و… با واسطه‌های دهان‌پرکن دکنترای فلان و بهمان، برندسازی و خریدارانی هرچند موقت برای خود دست و پا می‌کنند. اولین سؤال؟ چرا طی این سال‌ها هیچ‌کدام از این آقایان آمار کودکان کار در کارگاه‌های زیرزمینی تنگ و تاریک و نمود بدون حداقل امکانات بهداشتی و سلامت که کودکان در معرض خطر تجاوز جنسی و آزارهای روانی هستند را ارائه نداده‌اند و نمی‌دهند؟ آیا آنها هم مافیای جداگانه‌ای دارند؟ اسم مافیای آنها چیست؟

شخصاً از سال ۷۸ در زندگی این کودکان بودم و با گروه‌های مختلف آنان اعم از کولی‌های ساکن یکی از استان‌های شمالی، افغانستانی‌ها، مهاجرین

شهرستان‌های ایران و کودکان حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ ارتباط نزدیک داشتم. حقیقت زندگی این کودکان فقط فقر تحمیلی و نبود حمایت‌های اجتماعی است که دولت‌ها واقعی ننهاندند و گذاشتند خانواده‌ها در فقر و بدبختی دست و پا بزنند و در هر دوره‌ای هم از فقر و بدبختی اینها می‌خواهند دروغ بسازند و مقصر را خود مردم بدانند. متولیان امور و بعضی از مؤسسات به نام خیریه‌ها هم در تیریز سال‌هاست در بی‌وق و کرنا ادعا می‌کنند که کودک کار و خیابان‌ ندارند و میلمان شهری‌شان تمیز و آراسته از کودک کار است، می‌دانید چرا؟ چون کودکان کارگاه‌های زیرزمینی مانند مبل‌سازی، چرم‌دوزی، گارتن‌سازی، قالب‌سازی، آجرپزی، بازارها و باربری‌ها و کارگاه‌های فرش‌بافی و… را جزء کودک به حساب نمی‌آورند، چون سن کودکی را تا ۱۸ سالگی نمی‌دانند.

از طرفی حتما گروه‌هایی هم هستند که از غفلت برخی مسئولان اجرایی استفاده می‌کنند و دام‌هایی می‌سازند اما این باندها که عددی نیستند به‌راحتی

گزارش «شرق» از آذوقه‌های روبه اتمام و جاده‌هایی مملو از برف در کوه‌رنگ

آبادی‌ها، پشت حصار برف

است و حتی بسیاری از کارشناسان نسبت به خطر آب جاری ناشی از آب‌شدن برف‌های منطقه هشدارهایی دادند.

برای غذا امدادرسانی نشده

حدود ۲۰ روز از شروع بارش برف‌های سنگین در کوه‌رنگ و مناطق اطراف آن می‌گذرد و هنوز جاده‌های بسیاری مسدود است. رسول خدادادی، عضو شورای روستای فریدون‌آباد دشت زرین، از بعضی مشکلاتی که این مدت برای اهالی روستا به وجود آمده، به «شرق» می‌گوید: «تا الان حدود ۲۰ روز است این برف وحشتناک آمده، هنوز جاده تردد روستا مسدود است. خدا شاهد است که پیژنی در روستا مریض شد، بچه‌ها او را با فرغون به سر خیابان اصلی آوردند تا بتوانند به دکتر ببرند. الان ارتفاع برف تا سه متر و خرده‌ایی هم می‌رسد، اما جاهایی که کوهستانی به‌ده است شاید ارتفاع برف تا ۱۰ متر هم برسد. در این ۳۰ سال چنین برفی بی‌سابقه بوده و وضعیت تردد روستا مسدود است و اگر کسی برای تهیه آذوقه بخواهد به شهر برود باید تا سر جاده اصلی پیاده راه برود… ما روستای دورافتاده‌ای هستیم و مردم منبع درآمد خاصی ندارند… الان برای مواد غذایی واقعا در مضیقه هستیم، شاید غیرت پیژن‌ها و پیرمردها اجازه ندهد که بگویند گشنه‌ایم، ولی حتی برای همان نانی که در خانه می‌بختند هم دچار عذاب هستند… واقعا چیزی

نابود می‌شوند. پس موضوع اینها نیست، سال‌هاست که ما با این بازی‌ها آشنایم. باندها آنهایی هستند که در مراکز بازیافت زباله با مجوز کودک را استنمار می‌کنند که به قول ایشان ۷۵ تا ۸۰ درصد (۶۵ درصد) کودکان افغانستانی هستند و شاید کودکان افغانستانی را جز آدم به حساب نمی‌آورند، چون مهاجران بیگانه هستند. یک سؤال ساده را ایشان با صراحت و صداقت پاسخ دهند: کشوری که عضو کنوانسیون جهانی حقوق کودک است، چرا کودکانش باید از حق تحصیل محروم شوند و به خاطر هر چیزی که ایشان ظاهرا علتش را نمی‌دانند گرفتار بماند و گروه برای کسب درآمد شوند؟ آیا برای خرید ویلای خانواده‌شان در لواسانات از تحصیل محروم می‌شوند یا از بی‌بناهی و بی‌حمایتی؟ و سؤال بعدی که می‌توانند کمی فکر کنند: چرا نهادهی قدرتمند و بسا اراده در حمایت از کودکان جهت پیشگیری از احتمالات و آسیب‌ها وجود ندارد که هوشیارانه و هوشمندانه بدون کمترین غفلت، مراقب سلامت روح و روان کودکان باشد تا دچار این بلایای غیرطبیعی نشوند و سؤال بعدی را از خودشان بپرسند که آیا حق کودکان نیست

که در سال‌های بعد از عضویت ایران در کنوانسیون جهانی حقوق کودک، در قوه مقننه کرسی و نماینده واقعی خود را داشته باشند تا از مفاد کنوانسیون حقوق کودکان دفاع شود؟ متأسفانه به حال و روزی دچار شدیم که عده‌ای با پیشوند دکتر با حسن یا سوء نیت همه معادلات انسانی اجتماعی را وارونه جلوه می‌دهند و با گزارش و تحلیل آبیکی و بی‌ریشه آب به آسیاب عده‌ای می‌ریزند که هر سال با طرحی و بودجه‌ای به ساحت «مظلوم‌ترین مخلوقات خداوند» رحم نمی‌کنند. تا در این گل‌آلود بی‌توجهی به حقوق کودکان ماهی خودشان را بگیرند یا در بیلان مالی آخر سال و بودجه باقی‌مانده به عده‌ای ماهی و لقمه چرب برسانند.

آیا می‌دانید برای کار ارزان کودکان در کارهای زیرزمینی و پنهان هم که دنیسای کودکی و جان شیرینشان را ذره ذره آب می‌کند مافیا وجود دارد؟ مافیایی به نام سهیل‌انکاری عمده‌ی به حقوق کودکان. مافیایی به نام سرمایه‌داری فرفرزاق ایران (س – ف – ا).



صحبت‌هایش با «شرق» می‌گوید: «جاده‌ها کامل باز نشده، مردم در خانه آذوقه دارند و آن‌طور نبوده که مرتب برای خرید به شهر بروند و الان مشکل داشته باشند. روستای ما چون خانه نوساز بیشتر دارد همدارای برای تخلیه و تخریب ندادند… اینجا یک جاده اصلی داریم که هنوز کامل باز نشده، جاده‌های فرعی هم مسدود است… برای باز شدن جاده‌ها هم درخواست زیادی داشتیم چون برف اول و دوم را درست پاک‌سازی نکردند، برای همین حجم زیادی از برف روی هم تلنبار شده…».

مردم دیگر نان و آب ندارند

همین ماجرای بسته‌بودن جاده‌ها و مشکل در تهیه خوراک و آذوقه، شرایط را هر روز سخت‌تر می‌کند. مهربانی، معتمد شورای غلام‌آباد، به «شرق» می‌گوید: «الان تقریباً بیشتر روستا زیر برف است و جاده‌ها بسته است و به خاطر ریزش برف هر چه جاده‌ها را باز می‌کنند باز مسدود می‌شود و مردم منطقه از نظر نان و آب و خوراکی دیگر چیزی ندارند. وقتی مردم منطقه نتوانند به شهر بروند، پس برای تهیه غذا و خوراک با مشکل مواجه می‌شوند. غذا الان یک احتیاج مردم است، هلی‌کوپتر هم از این‌جا رد شد اما با اطلاعاتی که از اهالی گرفتیم گفتند غذا و خوراکی ارسال نشده. متأسفانه هنوز هیچ‌کس نیامده. الان تعدادی از روستاها جاده‌هایشان باز شده ولی ما روستاهایی داریم که شاید تا ۲۰ روز دیگر هم جاده‌هایشان باز نشود… چند روز پیش هم از فرمانداری و هلال احمر آمدند با آنها صحبت کردیم که در چه وضعیتی هستیم. در کنار اینکه مردم برای آذوقه دچار مشکل شده‌اند، دام‌هایشان هم از بین رفته… آب داخل اصطبل‌ها رفته و بخشی از آذوقه‌ها آنجا از بین رفته. با رئیس بحران چهارمحال‌و‌بختیاری حرف زدم که گفت مقداری آذوقه داده شده تا بین روستاها تقسیم کند و ما هنوز منتظریم این توزیع انجام شود… نزولات آسمانی برای همه خوب است اما الان دوسه هفته است که دچار مشکلیم، سقف خیلی از خانه‌ها ریزش کرده؛ از سه تا خانه، یک یا دو تا خراب شده و حدود ۱۰ تا خانه از ترس تخریب خانه را خالی کردند… جاده‌ای که باز کردند فقط جای یک ماشین است، یعنی یک ماشین که حرکت می‌کند و ماشین‌ی هم از جلو می‌آید، باید یکی از آنها آن‌قدر عقب‌عقب برود تا جایی پیدا کند».

با وجود برف‌های دیوشده در بیشتر مناطق کوه‌رنگ و آبادی‌های اطراف آن، بسیاری به خطر آب‌شدن آن اشاره می‌کنند که امکان دارد جریان آبی که به دلیل آب‌شدن برف‌ها ایجاد می‌شود، منجر به مشکلات جدیدی برای این افراد شود.

که ما در این چند روز با چشم در منطقه می‌بینیم، صددرصدش درست است و خدایی نکرده فکر نکنید دروغ است، ولی خدا شاهد است از این ۷۰ یا ۸۰ خانواده قسم می‌خورم ۶۰ تا خانواده این روزها بی‌شام خوابیده‌اند. نه اینکه خدایی نکرده خانواده‌ها نیازمند باشند، اما خانه‌ای که ۲۰ روز به جایی دسترسی نداشته باشد همین خواهد شد. در کنارش وضعیت گاز به شکلی است که اگر کمی فشار گاز خانه را بیشتر کنیم، همسایه دیگر گاز ندارد. برای همین شب‌ها باید از سرما ۲۰ تا پتو روی خودمان بیندازیم».

خدادادی بین صحبت‌هایش به خطر تخریب برخی خانه‌ها به دلیل بارش برف اشاره می‌کند که: «هلال احمر چند خانه را بازدید کرده که جایگاه دامشان آسیب دیده ولی فعلاً قولی برای بازسازی از جایی ندادند. الان خانواده‌ها جایی را ندارند و مجبورند در خانه خود بمانند. الان حدود ۷۰ تا ۸۰ تا خانواده در روستا داریم… یک مدرسه ابتدایی در روستا داریم که از امروز باز شد، ولی خدا شاهد است که به خاطر این چند متر برف مادر و پدر بچه را کول کردند و از مدرسه بردند و آوردند، رفت و آمد ما الان پیاده است و ماشین‌ی الان تردد نمی‌کند…».

باید تکلیف برف‌های دیوشده مشخص شود

در این‌ چند هفته، حجم زیادی برف در جاده‌ها و روستاهای این اطراف روی هم تلنبار شده و طبق اظهارات برخی از اهالی، همین ماجرا مدیریت و جمع‌آوری برف‌های موجود را سخت‌تر کرده و داراب لهرانی، دهیار روستای غلام‌آباد و بختیارآباد، از وضعیت جاری به «شرق» می‌گوید: «جاده را باز کردند ولی هنوز به سختی ماشین حرکت می‌کند، یعنی هنوز مسدود است… اینجا خیلی برف آمده. در خود کوه‌رنگ مغازه‌ها باز است ولی خیلی برف دیو شده… هلال احمر هم به خانه‌هایی که احتمال تخریب داشت هشدار داد. در میان‌رودان هم خانه‌ای به خاطر برف زیاد تخریب شد و کامل پایین آمد. الان باید تکلیف این برف‌های شهرستان مشخص شود و جاده‌ها را باز کنند تا ارتباط بین روستاها و شهرستان برقرار شود».

جاده‌ها کامل باز نشده

مسدودشدن جاده‌ها به دلیل میزان برف، باعث قطع ارتباط بسیاری از روستاها و آبادی‌ها با یکدیگر شده و همین اهالی را برای تأمین مایحتاج‌های ضروری دچار مشکل کرده است. عباس‌علی کریمی، دهیار بختیارآباد، در بخش‌هایی از

واپس‌گرایی در حوزه زنان به دلیل ناتوانی

ابعاد، با شتاب و به صورت گسترده بدرخشند. راه تحصیلات عالیه دانشگاهی و حوزوی و تقویت توانمندی‌ها در همه ابعاد برای زنان باز شد که به روشنی خود را نشان می‌دهد. اما سؤال این است که چرا قوانین خانواده متناسب با این شرایط نتوانسته است خود را اصلاح کند؟ آنچه نتوانسته همپای این رشد و توانمندی خود را با زنان و شرایط آنان و جامعه تنظیم کند، اصلاح باورها و قوانین است. اشکال کجاست؟ قانون اساسی به رفع تبعیض‌های ناروا از زنان صراحت دارد. زمینه‌سازی رفع ظلم از زنان با حمایت‌های قانونی و تعلیم و تربیت و اخلاق بارها تکرار شده و راهبرد و رهنمون رهبر معظم انقلاب بوده است؛ خاصه پیشگیری از ظلم به زنان درون خانواده. بر اساس این راهبرد، وظایف همه دستگاه‌ها از دولت و مجلس و شوراهای عالی تا سازمان‌ها و نهادهای مختلف با مأموریت تعریف‌شده دستگاه خود موظف بوده‌اند که این «امر» «ولی‌فقیه» را عملیاتی کنند. چرا این «فرمان» آن‌طور که «باید» انجام نگرفته؟ دهه‌های ۷۰، ۸۰، ۹۰ و آخر‌بار در ده‌های ۱۰-۱۴ این فرمان تکرار شده است. عدم توازن و تعادل حرکت در ابعاد مختلف آسیب‌زاست. وقتی زنان در جامعه خود را در مقام فاعلیت تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز می‌دانند و در ابعاد مختلف رشد داشته‌اند و ارکان نظام را با رای خود انتخاب می‌کنند، این هویت نمی‌تواند با هویت و جایگاهی که قوانین خانواده او را در مقام صغیر می‌نشاند، در تعارض باشد؛ که هست. اصلاح این قوانین چرا انجام نمی‌شود؟ این ناتوانی در اصلاح قوانین و مقاومت و واپس‌گرایی در مقابل عملیاتی‌کردن تصریح قانون اساسی و فرمان رهبری چگونه تحلیل می‌شود؟ آن جریان فکری‌ای که ناتوان از خوانش نگرش انقلاب اسلامی به زن است، این ناتوانی را در مراکزی که موظف به عملیاتی‌کردن صراحت قانون اساسی و رهنمون رهبری هستند، حفظ کرده است. راه برون‌رفت این است که عقلانیت در حوزه قانون‌گذاری با توجه به شرایط زمان و مکان و با هدف حفظ اسلام اصیل نگرش انقلاب اسلامی به زنان را تداوم بخشند. آفت اصلی اصرار بر حفظ نگرش صغیر، محتاج قیم پنداشتن زنان، خاصه به اسم اسلام است و زودن دامن اسلام از این آتپام.



توران ولی‌مراد

مدیر شبکه ایران زنان و شورای همکاری‌های زنان

دستاورد‌های انقلاب اسلامی برای زنان نه‌تنها در سطح ملی بلکه برای جهان اسلام و در دنیای بین‌الملل چونان آب حیات بر پیکر بی‌جان بوده است؛ چراکه زنان علاوه بر تربیت خود، آرامش خانواده و تربیت و حیات نسل را هم بر عهده دارند. زن مسلمان به دلیل بازتعریف اسلام از زن، حیات خود را بازیافت و هویت مستقل انسانی خود را به صحنه آورد. این راهی که با انقلاب اسلامی برای زنان باز شده است، برای ماندن در مسیر و بهره‌برداری از تعلیم عالیه اسلام انتخاب دیگری جز تداوم و ادامه مسیر در همین راه ندارد؛ پاک‌کردن فرهنگ از باورهای با نگاه تحقیرآمیز و انسان صغیر محتاج قیم به زن و جایگزین‌کردن عرف، فرهنگ و قانون مبتنی بر نگرش انقلاب اسلامی به زن که او را انسان باکرامت مستقل انتخابگر می‌بیند. انقلاب و نظامی که در رأس آن یک مجتهد اسلام‌شناس یا قدرت درک و فهم شرایط زمان و مکان قرار دارد، راهگشا و قابل اعتماد در حفظ اسلام و رهنمون به مسیر اسلامی است. یکی از موضوعات نیازمند درک شرایط زمان و مکان، موضوع زنان است؛ چراکه بخشی از جامعه مسلمان گرفتار باورها، فرهنگ و قوانینی است که مستندی در تعالیم اسلام ندارند، ولی به اسم اسلام مبنای عرف و حتی قانون بوده‌اند. پاک‌کردن دامن اسلام و زدودن آنها وظیفه نظام اسلامی جهت تداوم مسیر است و حفظ توازن در جامعه. مجتهدی در رأس نظام اسلامی، تکیه‌گاه محکم و قابل اعتمادی برای زنان است که می‌توانند با اعتماد به این ستون محکم، راه را باز کرده و مسیر پیش‌روی زن مسلمان را فراروی خود و جامعه و جهان اسلام قرار دهند. راهی که با انقلاب اسلامی پیش‌روی زنان گشوده شد، باعث شد زنان توان بالقوه خود را رشد دهند و در همه محنه‌ها و

کمپین میزبان شو

جمع آوری مواد غذایی برای مددجویان ساکن در وحدت

ارتباط با وحدت:
021-22947014
0902 2947014

vahdatiha
charityvahdat.ir

شماره کارت بانک سپه: ۵۸۹۲۱۰۱۱۲۱۶۷۵۳۸۹

پاسداران – انتهای بوستان دهم – خیابان شهید افشاری(ساقدوش) – کوچه وحدت – پلاک ۴